

باز هم پیش من بیایید

گزیده داستان‌ها

امیر رضا بیگدلی



نشر افکار

سرشناسه : بیگدلی، امیررضا

نوان و نام پدیدآور : باز هم پیش من بیایید / امیررضا بیگدلی.

مشخصات نشر : تهران: شرکت نشر نقد افکار، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۵۰ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۸-۰۲۳

ویرایش و فهرست نویسی : فیبا

موضوع : داستانهای فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی شده : ۱۳۵۰ / ۶۰۰ / ۰۱ PIR۷۹۸۰/

رده بندی دیویی : ۳/۶۱

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۸۰۲۲۸



نشر افکار
کتاب و فکر

مآلی: تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به پلچ شمیران، کوی نوبخت،

شماره ۲، طبقه همکف؛ تلفکس: ۷۷۵۱۰۹۸۳ تلفن: ۷۷۶۰۳۳۱۲

www.nashreafkar.com

nashreafkar@gmail.com

به هم پیش من بیا یید

امیرضا، گدلی

دبیر محمد، حسن فرجی

ویرو سنار: سر مهدی کمالی

صفحه اواز: مریم غوری

ناظر فنی چاپ: نگار

لیتوگرافی: سحر گرافیک؛ چاپ: مهارت؛ مآلی: تهران،

تیراژ: ۵۵۰ نسخه نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

بها: ۸۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۸-۱۴۲-۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست

چند متن کنایه (۱۳۷۸)

- ۱۳..... باکره.....
 ۱۹..... همه چیز یا.....
 ۲۵..... این کوچه بن بست است.....

آن مرد در باران آمد (۱۳۸۲)

- ۳۳..... چه کسی با من ایروپولی بازی می کند.....
 ۴۵..... دوست دارم برقصم.....
 ۵۵..... زبادی سخت نگیر سمانه.....
 ۶۷..... باز هم پیش من بیا بید.....
 ۸۵..... حالا مگر چه می شود؟.....

آدم ها و دودکش ها (۱۳۸۸)

- ۱۰۳..... خانه دارد می سوزد.....
 ۱۲۱..... پیش از این.....
 ۱۲۵..... آلاچیق.....
 ۱۳۱..... آدم ها و دودکش ها.....
 ۱۴۵..... آلاسکا.....

بخش بیستم مجموعه

گزیده‌های داستان‌های کوتاه؟ چه عبارت پرطمطراقی! آن هم برای نویسنده‌ای که از نسل امروز است و باز به آنجا نرسیده که پیشکسوت شود و پوستین بیندازد؟ بله این کتاب گزیده‌ها است از داستان‌های کوتاه نویسنده‌ای از بچه‌های همین نسل. این کار هم به احترام نبوه و حکمتش را در همین سطور بعدی در می‌یابید:

اولین مجموعه داستان امیررضا بیگدلی نام «چند عکس کنار اسکله» در سال ۱۳۷۸ توسط نشر ماریه که ناشری تازه‌کار و غیر حرفه‌ای بود منتشر شد. بیگدلی بعدها درباره‌ی این مجموعه گفت: «چند عکس کنار اسکله» سیاه مشق‌هایی می‌دانم که نمی‌بایست چاپ می‌شد. اما شد چون عجول بودم. «چند عکس کنار اسکله» نتوانست از عهده‌ی توزیع کتاب برآید و بعدها هم برای همیشه در گنجینه‌ی وطن کرد و کسی نمی‌داند نسخه‌های چاپ شده‌ی این کتاب در کجا هستند. این کتاب بود که «چند عکس کنار اسکله» یتیم ماند.

چند سال گذشت و درست یک هفته بعد از بیست‌وهشتم بهمن ماه سال ۱۳۸۱ که محمد علی سپانلو تندیس برنزی صادق هدایت را در خانه‌ی هنرمندان تهران برای داستان «حالا مگر چه می‌شود؟» به بیگدلی داد مدیر نشر قصه

پیشنهاد چاپ مجموعه داستانی از او را به نویسنده داد. و این طوری شد که در سال ۱۳۸۲ مجموعه داستان «آن مرد در باران آمد» وارد بازار کتاب شد. این بار، ناشری حرفه‌ای پشت کار بود و توزیع و دیده شدن کتاب هم به سلامتی انجام شد. خود داستان‌ها هم به مذاق و مزاج منتقدان و آدم‌های حرفه‌ای خوش نشست و درباره‌شان نقدها نوشتند. بیگدلی درباره‌ی این کتابش گفته است: «کتاب دوم را سعی و خطاهای به‌جایی می‌دانم که در نهایت به نتیجه نشست. در باران پیش خود من.»

نقدی گوناگونی درباره‌ی این مجموعه نوشته شد. در نقدهایی چون «سلام آتش کارور» از محمدرضا رستمی و «بیائید یک داستان کاروری بنویسم» از مریم اسدی که در نشریات آن زمان به چاپ رسید کتاب در حد رونویس از داستان‌های دیگر زیبایی شد. در مقاله‌ای به نام «باد این داستان‌ها را خواهد برد» ضمن تأیید وجود آثار که متأثر از کارور است بیان شد که در این میان «تمونه‌های موفق مثل مجموعه داستان باد در یک خیابان مستقیم اثر کیارنگ علایی و یا کتاب آن مرد در باران اثر محمدرضا بیگدلی را هم تجربه کرده است.» اما مهدی یزدانی خرم در مقاله‌ی به‌صداقت از «دغدغه‌ی کارور نبودن» بیگدلی نوشت.

«آن مرد در باران آمد» سال ۱۳۸۳ در جشنواره‌ی داستان کوتاه «فهمان لوح» تقدیر دریافت کرد. اما باز هم ناشر که این بار نشر قصه بود، جلاویز و طبع کرد و نسخه‌های فروش نرفته‌ی مجموعه داستان به تازگی انبار سپرده شد. زمان گذشت و درست در تابستان سال ۱۳۸۸ مجموعه داستان دیگری از بیگدلی به بازار کتاب روانه شد به اسم «آدم‌ها و دودکش‌ها». ناشر کتاب، ثالث بود که هم حرفه‌ای بود و هم قصد رفتن از کشور را نداشت. اما این بار انتشار

کتاب جدید بیگدلی دقیقاً مصادف شد با وقایع و اتفاقات آن سال کشور که هیچ حس و حالی برای کتابخوانی نمی گذاشت. این بود که «آدم‌ها و دودکش‌ها» هم به حقش نرسید و آن طور که باید و شاید، دیده نشد. کمی بداقبالی هم چاشنی کار بیگدلی شد تا پازل دیده نشدن کتاب‌هایش کامل شود. مثلاً داور یکی از جلد ادبی خودش به او گفته بود که ما فرصت نکردیم کتاب تو را در فرآیند داورهایمان بخوانیم!

حالا همان‌طور که من گفتم دلیل اینکه گزیده‌ای از داستان‌های بیگدلی را منتشر کرده‌ایم، روشن نیست. ضمن اینکه از مسیر این اتفاق که قرار است به دیده شدن دوباره‌ی کارهای غفول او بینجامد، اتفاق دیگری هم افتاده است و آن هم اینکه در این گزیده داستان، بخشی از کارهای بیگدلی که به قوت کارهای دیگرش نبوده کنار گذاشته شده و همچنین تغییرات اصلاحی جزئی در برخی داستان‌ها صورت پذیرفته است. اما به طبع می‌تواند گزیده‌ای از بهترین داستان‌های کوتاهی را که او طی ۱۵ سال نوشته است، ببیند و بخواند.